

[۳] درباره اروپا
و برگزیت[۶] شهردار پیروز
ادامه بده[۷] نقد و بررسی راه‌های توسعه در ایران
از دیدگاه برخی نظریه‌پردازان داخلی

بازخوانی پرونده حذف سید معروف صمدی از لیست امید شورای شهر تهران

مردی برای بزرگی و عظمت ایران

سرویس سیاسی: متنی که ملاحظه می‌کنید روایتی است که انتظار داریم چنین باشد: سید معروف صمدی کرد سنی مذهب و نماینده دو دوره (چهارم و پنجم) مجلس که در رزومه کاری خود مشاورت ریاست مجلس و وزارت کشور و فعالیت‌های غیر سیاسی و علمی و پژوهشی و کارگاهی هم دارد، بعد از این که از فیلترهای شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان در معرض رأی اعضای شورای عالی اصلاح‌طلبان قرار گرفت و توانست رأی نهایی اکثریت شورا نوزده رأی را برای قرار گرفتن در لیست امید شورای پنجم تهران به دست بیاورد؛ اما در عرض سه‌الی چهار ساعت از لیست نهایی اصلاح‌طلبان حذف و به جای وی مرتضی الویری معرفی شد. ابتدا شورای عالی سیاست‌گذاری سعی در انکار آن (حذف) داشت اما از آنجا که نتیجه رأی‌گیری در سطح وسیع منتشر شده بود، دلیل آن را سنی مذهب اعلام نمودند. حذف ناجوانمردانه و چکشی و غیر دموکراتیک مهندس معروف صمدی از لیست امید و آن هم به دلیل کرد و سنی مذهبی بودن، برای ایشان که عمری را در مشی اصلاح‌طلبانه و با شعار ایران برای همه ایرانیان سپری کرده بود، بسیار سنگین و ناباورانه بود؛ و موجب رنجش و کدورت ایشان گردید و باعث شد مدتی را از سیاست کنار بکشد. اکنون فرصتی دست داده است این راز سربه‌مهر و نگشوده را با ایشان مطرح و بازخوانی کنیم:

دیدگاه

پرسش و پاسخ با وزارت امور خارجه در سامانه انتشار و گردش آزاد اطلاعات



بهمن کبیری پرویزی

blkp2001ir@gmail.com

سامانه انتشار و گردش آزاد اطلاعات اقدام مؤثری در جهت شفافیت خدمات مؤسسات عمومی کشور است. هر شهروند حق دارد از مؤسسات عمومی

پرسش‌های خود مطرح کند و مؤسسات عمومی در مدت ده روز موظف به پاسخ‌گویی هستند. در صورت عدم پاسخ‌گویی و در صورت موارد به کمیسیون انتشار و گردش آزاد اطلاعات، کمیسیون پاسخ را پیگیری می‌کند. آنچه در زیر مطالعه می‌کنید پرسش‌های من از وزارت امور خارجه به‌عنوان یک شهروند و پاسخ‌های بانک مرکزی به یک شهروند است:

پرسش با کد رهگیری ۱۵۴۳۰۳۹۲۳۰۴۵۶

متن خبر زیر در فضای مجازی منتشر شده است: «وزیر خارجه قطر تأکید کرد که به‌رغم بازگشت تحریم‌های ایالات متحده کشورش پیوندهای خود با ایران را حفظ می‌کند. او آمادگی قطر را برای میانجیگری میان ایران و آمریکا اعلام کرد. او گفت که اختلافات با عربستان همچنان باقی است»

خواهشمند است صحت و سقم خبر و گردش کار انجام‌شده را اعلام فرمایید.

• پاسخ:

مناسبات جمهوری اسلامی ایران و قطر به‌عنوان یکی از همسایگان کشورمان در حاشیه جنوبی خلیج فارس بر اساس اصل احترام متقابل و عدم دخالت در امور داخلی و مبتنی بر ریشه‌های فرهنگی و تاریخی بوده است و دو کشور همواره تلاش نموده‌اند مناسبات خود را بدون تأثیرپذیری از سوی دیگران تحکیم و تقویت نمایند. در سال گذشته برخی کشورهای همسایه که برای پیشبرد اهداف خود از هیچ‌گونه اقدامی برای ضربه زدن به همسایه دیگر دریغ نمی‌کنند دست به محاصره سیاسی و اقتصادی دوحه زدند. برخی کشورهای فرامنطقه‌ای نیز تلاش داشتند اهداف نامشروع اقتصادی خود را از طریق همین افتراقات و اختلافات کسب‌کنند که تا حدودی هم‌در این امر موفق بودند. این در حالی بود که سیاست اصولی جمهوری اسلامی ایران کلاماً روشن و واضح بود و تأکید شد که با تهدید تحریم‌های ظالمانه و اعمال فشار در روابط بین کشورها مخالف هستیم. قطر نیز بر اساس همین سیاست بر حفظ پیوندهای خود با ایران تأکید کرده است. در خصوص آمادگی این کشور برای میانجیگری بین ایران و آمریکا چنانچه هدف از این امر متعاقب کردن ایالات متحده آمریکا برای بازنگری در سیاست‌اش در خروج از بحر جام باشد، تحفظی وجود ندارد.

پرسش با کد رهگیری ۱۵۴۳۷۲۴۴۹۳۴۲۰

متن خبر زیر در فضای مجازی منتشر شده است: «مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا با انتشار توئیتی اعلام کرد که ایران یک موشک برد متوسط بالیستیک شلیک کرده است و این موشک قادر است بخش‌هایی از اروپا و هرکجای خاورمیانه را هدف قرار دهد».

او نوشته است: «رژیم ایران همین الان یک موشک برد-متوسط بالیستیک شلیک کرد که قابلیت حمل چند کلاهک جنگی را دارد.» وزیر خارجه آمریکا می‌گوید این آزمایش ناقض قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل است که ایران را از هرگونه فعالیت مرتبط با موشک‌هایی که با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای طراحی شده‌اند منع می‌کند؛ از جمله فعالیت پرتاب موشک با استفاده از این گونه فناوری موشکی بالیستیک»

خواهشمند است واکنش جمهوری اسلامی ایران و وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و شرح اقدامات انجام‌شده را اعلام فرمایید.

• پاسخ:

بهرام قاسمی سخنگوی وزارت امور خارجه در واکنش به ادعای مایک پمپئو وزیر امور خارجه آمریکا که آزمایش‌های موشکی ایران را نقض قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت دانست، اظهار داشت: «برنامه موشکی ایران ماهیت دفاعی دارد و بر اساس نیازهای کشور طراحی می‌شود.»

وی تأکید کرد: «هیچ قطعنامه‌ای در شورای امنیت برنامه موشکی و یا آزمایش‌های موشکی ایران را ممنوع نکرده است»

قاسمی خطاب به وزیر امور خارجه آمریکا افزود: «جالب و البته مضحک آنجاست به قطعنامه‌ای استناد می‌کنید که با خروج یک‌جانبه و غیرقانونی‌تان از برجام نه تنها خود آن را نقض کرده‌اید بلکه دیگران را هم به نقض آن تشویق و یاحتی اگر آن را اجرا کنند تهدید به تنبیه شدن و تحریم می‌کنید»

پرسش با کد رهگیری ۱۵۴۳۹۸۹۹۰۱۳۴۵

متن خبر زیر در فضای مجازی منتشر شده است: «ایران از مذاکرات صلح یمن که در استکهلم در جریان است استقبال کرده است. گروهی از حوثی‌هایی که در کشمکش‌های مسلحانه یمن زخمی شده‌اند، نیز در جریان این مذاکرات اجازه یافتند به عمان بازگردند.» خواهشمند است اعلام فرمایید چه کشورهایی در این مذاکرات شرکت کرده‌اند، از کی شروع شده است و تاکنون چه نتیجه‌ای حاصل شده است.

• پاسخ:

بر اساس اخبار و اطلاعاتی که در این خصوص وجود دارد مذاکرات قرار است در آخر هفته جاری در کشور سوئد با حضور طرف‌های درگیر در یمن، با نظارت سازمان ملل برگزار گردد. مذاکرات هنوز انجام نشده است و لذا در خصوص نتیجه آن باید صبر کرد تا مذاکرات انجام شود.

پرسش با کد رهگیری ۱۵۴۳۹۹۰۱۵۰۹۹۴

بدین وسیله به استحضار می‌رساند متن خبر زیر در فضای مجازی منتشر شده است: «دو دفتر وکالت در آمریکا شکایتی جمعی علیه ایران را به دادگاه فدرال آمریکا داده‌اند بر اساس این شکایت خانواده‌های سربازان کشته‌شده آمریکایی در جنگ عراق "توسط تجهیزات یانپروهای وابسته به ایران" نقضای خسارت کرده‌اند»

خواهشمند است صحت و سقم خبر را به همراه شرح اقدامات انجام‌شده در مورد این خبر و همچنین پیگیری غرامات جمهوری اسلامی ایران در جنگ تحمیلی اعلام فرمایید.

• پاسخ:

موضوع گیری سخنگوی وزارت امور خارجه در نشست خبری با رسانه‌های داخلی و خارجی -تاریخ: ۱۲/۹/۹۷:

سؤال خبرنگار: امروز قرار است در آمریکایی دادگاهی به‌بهانه کشته‌شدن آمریکایی‌های هادر عراق، با صدور حکمی، خسارتی معادل چند میلیارد دلار را علیه ایران مطرح کند. موضع وزارت خارجه در این خصوص چیست و چه اقدامی برای مقابله با آن صورت خواهد گرفت؟

قاسمی: خودتان گفتید که اتهام زنی است، پاسخ و موضع ما در قبال این گونه اتهامات جنگ روانی که آمریکایی هر چند وقت یکبار علیه ایران راه می‌اندازند مشخص و روشن است. در راستای سیاست ایران هر اهراسی و ایران آزاری است و تلاشی است برای ایجاد مشکل برای ایران است. نقش سازنده و کمک‌کننده ایران در منطقه و به‌ویژه در عراق برای مقابله با تروریسم بر همه روشن است. این اقدام آمریکایی‌ها را ناشی از ناکامی آن‌ها در دستیابی به اهدافشان در عراق می‌دانم که در واقع نوعی فرافکنی به خاطر فجایی است که این کشور در آمریکا به بار آورده‌اند هنوز هم عراق و منطقه درگیر آن هستند.



درباره اروپا و برگزیت

دکتر محمود محی‌الدین

ناپرسین بانک جهانی

مترجم ادبی محمدی

Edris mohammadi1994@gmail.com

دارد. تقریری که می‌تواند تفسیر مناسبی برای ترس رئیس‌جمهور فرانسه باشد.

بعد از بحران‌های مالی عالم گیر که در سال ۲۰۰۸ به اوج خود رسید، اروپا سر رشته‌امور را گم کرد. از همین سالیان بود که اروپا در وسط خاک خود شاهد عملیات تروریستی بود. بر این رویدادهای نامیمون می‌توان مشکلات تغییرات آب و هوایی، عملیات جاسوسی، مسابقه‌های جهانی و... را اضافه نمود. آشکار است که اروپا از دو مشکل عمده رنج می‌برد:

در اولین مورد می‌توان به ترکیب جمعیتی اروپا اشاره نمود و اینکه متوسط عمر در این قاره رو به پیری نهاده است. اگرچه سیل مهاجرتی به اروپا مسبب فواید اقتصادی همچون افزایش تقاضا و انعطاف‌پذیری بازار کار را فراهم آورد (و مضافاً درمانی بود برای پیری ترکیب جمعیتی) اما خصوصاً با رشد کشتار میلیون‌ها قربانی و سال‌ها خسارت جبران‌ناپذیر شود. این اتحادیه اروپا بود که اجازه نداد هیچ دولت اروپایی مانند سابق سایه سیادتش بر دیگر دول اروپایی فرونی یابد. در مقدمه‌امبر کتاب «جان‌هرست» مؤلف استرالیایی تحت عنوان «تاریخچه مختصر اروپا» به مقایسه دو مقدمه بیابانه اتحادیه اروپا در مورد «استراتژی امن اروپایی» در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۱۶ پرداختم. در بیانیه اول و در مقدمه آن آمده است: «اروپا تا به حال به این میزان در آسایش، امنیت و آزادی نبوده است» برخلاف این تقریر، در مقدمه دوم (۲۰۱۶) چنین نگاشته شده: «اروپا در بحران موجودیت چه در داخل و چه در خارج به سر می‌برد. اتحادمان مورد تهدید است و اتحادیه ما که آسایش و دموکراسی بی‌سابقه‌ای را به وجود آورده است؛ امروز در مورد آینده‌اش مورد سؤال قرار می‌گیرد» این تقریر حکایت از عقب‌نشینی شدید و اختلاف‌مابین کشورها

مشکل دوم اما به واپس ماندگی تولیدی برمی‌گردد. کاهش کیفیت پروژه‌ها و

کمک‌های دریافتی توسط دولت یونان ایفا کرده و همو بارها پیرامون مشکلات یونان بحث نموده؛ اما این یونان بود که قادر به پاسخگویی به مطالبات اتحادیه نبود. به همین خاطر به شدت به دست و پالی باز تر برای ترویج سیاست پولی مورد نظر خود جهت مواجهه با بحران‌های اقتصادی نیازمند بود. همین موضوعات باعث شد که دولت یونان در موقعیت‌های مختلف، خاصه در مقاطع انتخاباتی از مجموعه اتحادیه اروپا روی گردان شود یا حتی تهدید به خروج نماید. بدیهی است که از آن پس مسئله یونان

مختوم به مسائل اقتصادی نمی‌شد. لازم به ذکر است که اتحادیه اروپا از دل گرفتاری‌های جنگ دوم جهانی سر برون آورد تا حافظ صلحی پایدار میان کشورهای اروپایی شود. از جنگ جلوگیری نمود و مانع کشتار میلیون‌ها قربانی و سال‌ها خسارت جبران‌ناپذیر شود. این اتحادیه اروپا بود که اجازه نداد هیچ دولت اروپایی مانند سابق سایه سیادتش بر دیگر دول اروپایی فرونی یابد. در مقدمه‌امبر کتاب «جان‌هرست» مؤلف استرالیایی تحت عنوان «تاریخچه مختصر اروپا» به مقایسه دو مقدمه بیابانه اتحادیه اروپا در مورد «استراتژی امن اروپایی» در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۱۶ پرداختم. در بیانیه اول و در مقدمه آن آمده است: «اروپا تا به حال به این میزان در آسایش، امنیت و آزادی نبوده است» برخلاف این تقریر، در مقدمه دوم (۲۰۱۶) چنین نگاشته شده: «اروپا در بحران موجودیت چه در داخل و چه در خارج به سر می‌برد. اتحادمان مورد تهدید است و اتحادیه ما که آسایش و دموکراسی بی‌سابقه‌ای را به وجود آورده است؛ امروز در مورد آینده‌اش مورد سؤال قرار می‌گیرد» این تقریر حکایت از عقب‌نشینی شدید و اختلاف‌مابین کشورها

حامیان برگزیت معتقد هستند که خروج انگلستان از اتحادیه و البته با در دست داشتن یک قرارداد دو جانبه فی مابین، بهتر از خروج بدون هیچ قرارنامه‌ای است. تئوری این گروه حاصل تحقیقاتی است که نشان می‌دهد اگر بریتانیا پس از حصول توافق دوطرفه با اتحادیه اروپا تصمیم به خروج از آن بگیرد؛ عزیمت آن بسیار به صرفه‌تر و کم‌هزینه‌تر از زمانی است که قصد داشته باشد بدون توافق و البته مطابق با قوانین بانک تجارت جهانی از اتحادیه خارج شود. حامیان برگزیت بر این گمان هستند که بریتانیا پس از خروج می‌تواند از شرایط و منافع اقتصادی بازار مشترک بهره‌گیرد که جعلگی این عواید در خلال قواعد تجارت آزاد صورت می‌پذیرد. بدیهی است که برگزیت سبب می‌شود که قوانین سیاسی و موضوعات بحث برانگیز (مانند سیاست‌های کشاورزی یا دخالت کمیسیون اروپا) مرتفع شده و بروکراسی عظیم و دست‌وپا گیر که در امور محلی و سیاسی بسیار سرک می‌کشد از میان برود. گروهی از مخالفان برگزیت اما اگرچه به درکی از نظریات گروه مقابل دست یافته‌اند؛ ولی کماکان معتقدند که خروج چه با توافق و چه بی‌توافق امر مناسبی به نظر نمی‌رسد. نظریه این دسته حول برپایی رفتار انومی دیگر و ابقای بریتانیا در اتحادیه می‌چرخد. در این میان صداهای دیگری به گوش می‌رسد که بر سر جزئیات متن برگزیت مناقشه دارند. علاوه بر آن بسیاری بر این باورند که متن برگزیت صرفاً بر ترتیبات جدایی و هزینه‌های آن تأکید می‌کند. این در حالی است که بریتانیا باید به فکر پس‌ام‌گزیت بوده و در مفاد قرار نامه تمهیداتی را جهت پیگیری روابط همکارانه میان طرفین تدارک ببیند. برگزیت حاوی بندهایی است که مغایت اجرایی آن به انگلستان و برخی از کشورهای خاص مختوم می‌شود و دایره توجه آن به گستردگی اروپا نیست. من جمله می‌توان به مسئله مرز با ایرلند، قضیه ماهیگیری با دولت فرانسه و موضوع جبل الطارق با دولت اسپانیا اشاره کرد. مضاف بر این موارد می‌توان به گزاره‌هایی اشاره نمود که به موضوعات سیاسی و اقتصادی در سطح محلی می‌پردازد که محتمل در آینده وسعت بیشتری خواهد گرفت. شاید این گفته امانوئل مکران، رئیس‌جمهوری فرانسه مبنی بر اینکه «اروپا شکننده شده است» خود مدخلی باشد برای گفتگو پیرامون اتحادیه اروپا و آینده جعلگی اروپا. قبل از «حماسه» برگزیت، بنابر دلایل اقتصادی یونان نیز طرح برگزیت را علم کرده بود. با اینکه اتحادیه نقش بسزایی را در



دیدگاه



چهره ژانوسی احزاب

تحقق این سیاست‌ها، از آن‌ها یاری و کمک می‌گیرند و بدین‌سان، کارهای بزرگی را با کمک یکدیگر و به نیکویی انجام می‌دهند. در مجموع، "تشکیل احزاب در شرق سبب ایجاد هماهنگی و برادری و یگانگی خواهد شد و آن‌ها را از آشفتگی و پراکندگی نجات خواهد داد تا نسبت به یکدیگر، یاری نمایند... آنان بهترین فرزندان آب و خاکشان هستند، کار می‌کنند و ستم‌دیدگان را همراهی می‌نمایند. ثروت خود را از راه حق دریافت می‌دارند و وظایف خود را بشادمانی انجام می‌دهند." شاید همراهی سیدبا سعذ غلول مؤسس حزب وفدکه زمانی ابتکار مبارزات ضد استعماری مردم مصر را بر عهده داشت و از شاگردان او بود را بتوان به حساب دیدگاه مثبت سید از حزب گذاشت، البته به‌ندرت امارد همین قالب خوش‌بینانه، به‌مفهوم دیگری از حزب اشاره می‌کند که بدان معنایی، مذهبی می‌بخشد و آن عبارت "حزب الهی در جهان" است. تصویر خوش‌بینانه سید از احزاب سیاسی، یک روی سکه است. آن روی سکه، مفهوم دیگری از احزاب سیاسی ارائه می‌کند. حزب سیاسی در این مفهوم جدید، دارای بعد شیطانی است زیرا تلاش احزاب سیاسی برای درمان دردهای مردم، گاه به "بدترین و دردناک‌ترین دردها" تبدیل می‌شود و گاه، آن‌ها، مردم را تنها برای تحقق خواسته‌های خود نه خواسته‌های عمومی، به‌صحنه می‌آورند و در واقع بر پایه هوس‌های خویش عمل می‌کنند. خیال‌پروری، خودپرستی، خودپسندی، ثروت‌اندوزی از دیگر مؤلفه‌های سازنده مفهوم حزب سیاسی است. در این معنا، حزب سیاسی، یک مفهوم شیطانی است



کیومرث کمالی نویسنده و پژوهشگر

حزب سیاسی در چند سده اخیر، مفهوم مدرنی یافته است. در این مفهوم جدید، حزب دارای چهار رکن است: ۱- حزب باید دارای تشکل مرکزی رهبری‌کننده و پایدار باشد. مراد از پایدار، آن است که: حزب باید از رهبران خود، بیشتر عمر نماید و یا مردن بنیان‌گذاران، از هم نپاشد. ۲- حزب باید دارای سازمان‌های محلی پایدار باشد که با سازمان مرکزی حزب پیوند همیشگی برقرار می‌کند. ۳- رهبران مرکزی و محلی حزب باید مصمم باشند که قدرت سیاسی را در سراسر کشور به‌تنهایی و یا با یاری احزاب دیگر، به‌دست آورند. ۴- حزب باید از پشتیبانی مردم برخوردار باشد. چهار رکن مذکور را می‌توان در این تعریف دید: حزب، "جمعی از گروه‌های اجتماعی پراکنده در اطراف مملکت است که به‌وسیله سازمان‌های هماهنگ‌کننده بهم‌پیوسته‌اند." حزب به این معنا، از بهترین وسایل ارتقاء ملت‌ها و درمان آشفتگی‌های مردم و رهایی از ظلم و وابستگی و نیل به آزادی و استقلال است، از این‌رو، آزادی ملت و رهایی آنان را از چنگال استبداد شعار خود قرار می‌دهند و با آب و تاب درباره وحدت سخن می‌گویند و در نتیجه، دل‌های مردم را به هم نزدیک می‌کنند. در حقیقت، احزاب سیاسی مردم را با وعده آزادی و خوشبختی، به دنبال سیاست‌های حزبی می‌کشند و برای

۸

این بحث استقبال می‌کنند. در بخش‌های قبلی تحت عنوان گفتمان مسلط جامعه ایرانی (گفتمان نابرابر) از تسلط تام و کامل ثنویت در گفتمان ایرانی سخن به میان آمد و استبداد و چگونگی شکل‌گیری آن در درون جامعه از نقطه‌نظر گفتمان تشیع تاریخی و سستی و گفتمان نژاد آریایی مورد بررسی قرار گرفت و گفتمان انقلاب اسلامی پر خاسته از اندیشه ضد گفتمان تشیع علوی در نقطه‌مقابل تشیع سستی و تاریخی قرار می‌گیرد و به‌خواستگاه مبارزات ایران با هر گونه تفکر استبدادی مبتنی بر اشرافی‌گری تبیین‌گر دید.

نافهم می‌نمود؛ اما این‌طور نبود که تأثیر نداشته باشد. بخش اعظم جامعه مابه‌تأسی از صاحبان حوزه دینی از رودرویی منطقی با این معرفت جدید دور ماندند. (غرب‌ستیزی و به‌تدریج معرفت‌ستیزی) و بخش حکومتی و دولتی جامعه در معرض امواج آن البته با رویکرد وادادگی قرار گرفتند؛ و به‌جای بی‌بردن به مبانی معرفت جدید از محصولات آن به‌صورت آماده استفاده کردند. (شبه‌مدرنیسم) یعنی در پارادایم دانایی جامعه مان تغییر بی‌حاصل نشد. ما همچنان در عصر مشابهت‌ها و همسانی مان‌دیم و فقط اکثفا کر دیم به‌وارد کردن محصولات و پدیده‌های مدرن؛ اما اتفاق بدی که افتاد در علوم انسانی بود، به محصولات غربی مانند دموکراسی، قانون، آزادی، حقوق شهروندی و غیره از منظر دانایی خودمان نگرستینم. چیزهایی دریافتیم اما بدیهی بود که دریافتمان سطحی بوده نه عمقی؛ یعنی فقط شکل را از غرب گرفتیم. غرب‌زدگی مان مغفلا نه بود آنچه از غرب‌گرایی ارائه کر دیم هم همراه با توهم بود و طبیعی بود که غرب‌ستیزی مان هم که پاسخی به این رویکرد بود. در واقع حمله به موجودی بود که اصلا وجود نداشت و توهم ما آن را ساخته بود و یک‌صد و پنجاه سال و قشمان را صرف دعوای موهوم و بی‌اساس کر دیم. عده‌ای تصویری از غرب داشتند و عده‌ای هم به این تصور حمله‌ور شدند. یکی از این مفاهیم جدایی دین از سیاست بود؛ که زمان و انرژی فوق‌العاده‌ای را از ما گرفت و دغدغه اصلی کسانی چون جان لاک و دیگران مشارکت مردم در سر نوشتشان بود و این به‌واسطه حضور دین در آن دوران در عرصه اجتماع و سیاست ممکن نبود. ولی در اینجا تز جدایی دین از سیاست برای جدا کردن مردم از سر نوشتشان مطرح شد. لذا مدرس و دیگران با طرح سیاست ما عین دیانت ماست، سعی کردند در سر نوشت کشور مداخله کنند. خمینی در سال ۳۳ در آستانه انتخابات مجلس دوم می‌گوید بد نقل به مضمون):

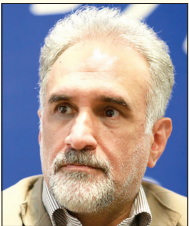
آقایان تادیروز می‌گفتند دین از سیاست جداست آن‌همه ضربه‌زده‌اند. حالاکه آن‌تر شکست خورده است می‌گویند سیاست فقط حق مجتهدین است. این توطئه از توطئه سابق بدتر است. آن‌ها به واسطه جدایی دین از سیاست، بخشی از مردم را که مسلمان بودند کنار می‌گذاشتند اما حالا می‌خواهند همه مردم را کنار بگذارند؛ یعنی پانصد نفر پیرمرد ملا بیابند برای مملکت تصمیم بگیرند باقی مردم بروند بی کارشان و ...

همان‌طور که ملاحظه می‌شود دغدغه امام خمینی و جان لاک یک چیز است حق مداخله مردم در سر نوشتشان در همه چیز همین بوده است و کمابیش به همین نحو ملأ همین تقی‌زاده در یکی از سخنرانی‌های اشاره‌ای دارد که جالب است. می‌گوید یکی از علمای تبریز از من پرسید مشروطه‌ای که می‌گویند چیست؟ من هم توضیح دادم؛ حکومت قانون اصل تفکیک قوا و غیره. در جواب گفت در اسلام این معانی و مفاهیم را ندارند اما است؟ گفتیم از غرب گفت در غرب به آنچه می‌گویند گفتیم که کونستیتوسیون گفت بهتر است همین لفظ را بکاربرید وقتی لفظ مشروطه را بکار می‌پرید به من آخوند اجازه می‌دهید بگویم هذا یشرط شارط و مشروط به نبود آزادی و هکذا؛ و مگر در مورد اصلاحات چنین اتفاقی نیافتاد اصل آن رفورمیسم بود ولی وقتی لفظ اصلاح را بکار بردیم مدعیانی پیدا شدند که می‌گفتند امام حسین هم می‌گفت من آمده‌ام در امت جدم اصلاح کنم؛ و از این مسائل در بر خورد با پدیده‌های غربی در یک‌صد و پنجاه سال اخیر زیاد مشاهده می‌کنیم. بعضی هم مودیانه برای حفظ مناسبات نابرابر و اشرافی و مفهوم خودی و غیر خودی که در گفتمان ما وجود داشت تحریف می‌کردند و اتفاقاً مقبول می‌افتاد.

کرونولوژی گفتمان استبداد



رحیم حمزه



احمد حکیمی‌پور



علی مهری

طرح یک گفتمان و یا ایجاد رخنه‌ای در سامان دانایی جامعه و جا انداختن بحث ضرورت تحول معرفتی، بدیهی است این بحث با این



● سامان دانایی

قبل از این‌که وارد بحث سامان دانایی شویم لازم است به این نکته اشاره داشته باشیم که داستان معرفت و دانایی در خاورمیانه و اروپا بسیار متأثر از یکدیگر بوده و هنگامی که رشد معرفت و سیر تغییر آن در جغرافیایی مشکل می‌شده در جغرافیایی مقابل تداوم می‌یافته است. خاستگاه معرفت از سومریان و بابلیان و... در خاورمیانه آغاز و سپس به یونان مهاجرت و بعد از سیر مراحل به دلیل حاکمیت دوران تاریکی مجدداً به خاورمیانه بازگشته و در جغرافیای اسلامی به حیات خود ادامه داده و مجدداً با آغاز دوران نوزایی یا رنسانس به اروپا بازگشته و سپس امواج این تغییر و تحول خاورمیانه را در بر گرفته است؛ یعنی پدیده انتقال معرفتی در جغرافیا وجود داشته است. لذا از این‌رو احکامی که در شکل‌گیری معرفتی این جغرافیا که ایران هم جزو آن محسوب می‌شود بان جغرافیا کار و پانامیده می‌شود، کمابیش سازگار است. ناسازگاری معرفتی این جغرافیا با آن جغرافیا بیشتر ناشی از تفاوت در مراحل مختلف تغییر است؛ یعنی زمانی که اروپا در دوران مشابهت‌ها ماندگار شد. در این جغرافیا قدم‌هایی برای ورود به دوران بازنمایی برداشته شد و زمانی که این گذار در اینجا مشکل شد، به اروپا مهاجرت کرد و در آنجا دوران گذار واسپری و مراحل بعدی معرفتی طی شد. زمانی با معرفت و دانایی غرب مواجه شدیم که آن‌ها در سیر تغییر پارادایم (نه به معنای تکاملی) خود دوران بازنمایی واسپری و وارد دوران عصر جدید یا مدرن شده بودند و پارادایم دانایی‌شان دچار تغییر و تحول اساسی شده بود. مواجهه ما با غرب قبل از هر چیز ما را دچار شوک معرفتی کرد. وقتی ما با آن‌ها مواجه شدیم حداکثر فکر می‌کردیم ادامه دوران بازنمایی را مشاهده خواهیم کرد که در اینجا آغاز شده بود و حداکثر مواجهه با نظریات تجربه‌گرایانه فرانسیس بیکن خواهیم شد. البته دورنمایی از آن را هم نداشتیم، اما مواجهه با معرفت جدیدی شدیم که اساس این

جزوه «آسیب‌شناسی معرفتی جامعه ایرانی (با نگاهی به گفتمان اصلاح‌طلبی)» در سال ۸۶ تهیه و در سال ۸۷ تکمیل گردیده و در سال ۸۸ نیز مورد بازنگری قرار گرفته است. ابتدا در نظر داشتیم لحن جزوه را نیز به‌روز کنیم ولی از سوی دیگر لحن اولیه جزوه، حاوی نگرانی‌ها و دغدغه‌هایی بود که حوادث بعد از انتخابات نیز مهر تأییدی بر آن‌ها محسوب می‌شد. از این‌رو در ترسیم فضای هندسی ادعاهای تحلیل و تفهیم آن‌ها تأثیر دارد، لذا ما را بر آن داشت تا همان لحن اولیه را در انتشار مجدد این تحلیل حفظ کنیم. این جزوه در واقع تلاشی است برای

● کرونولوژی گفتمان استبداد

ایندلوژی انقلاب اسلامی اکنون مبنای شرافتش سه چیز است: ۱- مجاهدات انقلابیون زمان شاه که برای باقی مردم بسته شده است (به عنوان لایه اصلی). ۲- وابستگی به خاندان قدرت و ثروت و نفوذ (به عنوان لایه سستی) ۳- ایرانیّت و نژاد آریایی (به عنوان لایه قومیتی). مشکلی که تشیع تاریخی با نظام شاهنشاهی داشت این بود که شاه چگونه ظل الله... است. چگونه وصل می‌شود به امامت و خداوند؟ عصمت و پاکیزش از کجا حاصل می‌شود؟ بنابراین ما در اسلام شاه نداریم ولایت داریم ولایت است که به امامت وصل می‌شود و از آن طریق به خداوند. تشابه اسمی ولایت تشیع تاریخی با امامت ضد گفتمان تشیع علوی و نیز گفتمان ثنویت موجود در گفتمان مسلط و همچنین تمایل انقلابیون و مبارزین زمان شاه به بسته شدن حلقه مجاهدت، موجب شد انقلاب اسلامی تغییر مسیر داده و به‌جای جامعه بی‌طبقه سر از جامعه طبقاتی در بیاورد. از سوی دیگر ثنویت و آریایی بودن باهم سازگار ترند؛ و لذا برای حفظ ثنویت مجبوریم آریایی بودن را هم نگاه داریم تا شکاف معرفتی حاصل نشود؛ بنابراین تشیع تاریخی مروهن ایرانیّت می‌شود و این ایرانی‌ها بودند که مایه رشد تشیع شدند. از سوی دیگر ایرانیّت (آریایی بودن و زبان مشترک فارسی) به یکپارچگی ملی کمک می‌کند و درون خود با نفی قومیت‌ها تمرکز را به دنبال می‌آورد که کمک می‌کند به تحقق خودی و غیر خودی. اگر تفاوت قومی نباشد راحت‌تر می‌توان "از ما و بر ما" (خودی و غیر خودی) را جا انداخت؛ و این چنین است که ایرانیّت و نژاد آریایی و زبان فارسی در انقلاب اسلامی می‌ماند اما همین زبان (فارسی) ثنویت "از ما و بر ما" را در درون خویش دارد و در گفتمان جامعه ایرانی نابرابری را تقویت می‌کند که مبنای اصلی تقسیم‌بندی انسان‌ها به خودی و غیر خودی شده و موجب تمرکزگرایی است و ترس از قومیت‌ها و حتی همسایگان را در درون ما ریخته و بالطبع در همسایگانمان نیز نسبت به ما همان اثر را دارد و مایه طمع استعمارگران شده و پاشنه آشیل مناسبات ما با همسایگانمان می‌شود. همچنین مناسبات درونی ما با قومیت‌ها را خدشه‌دار می‌کند؛ و همواره در بستری از ترس و بحران زندگی می‌کنیم و بدیهی است در چنین وضعیتی حیل‌المتین ما هم همان حاکمان مسبت هستند که استوانه وحدت ما را را تشکیل می‌دهند و ما به ناچار به آن تن می‌دهیم تا اجنبی‌ها و بیگانگان بر ما تسلط نیابند.

کرونولوژی استبداد نشان می‌دهد که وجود بحران تقویت‌کننده "ما" ست. از این‌رو گفتمان استبداد در همه دوران‌ها لقاء کننده این بحران است تا مخالفان خود را سرکوب کرده و بهانه‌ای برای تقویت فضای امنیتی و توجیه‌کننده خودی و غیر خودی و این چنین استبداد قدرت خود و اقطاع توده‌ها را از گفتمان جامعه گرفته و احاد جامعه را همراه خود می‌کند.

از عوامل قوی و مهم انحراف انقلاب اسلامی از اهداف معنوی و اولیه آن نیز همین مسئله است که تأثیر خود را در ابعاد مختلف یعنی تقویت استبداد، تبعیض قومی و در نتیجه (تحریک قومیت‌ها و اگرایی ملی)، تضعیف تحریک اجتماعی نفی شایسته سالاری، تداوم وضعیت فراقانونی و با فرار از قانون و غیره که بعداً اشاره می‌شود خواهند گذاشت و می‌گذارند. با چنین شناختی از گفتمان مسلط بهتر است به سامان دانایی و سیر معرفتی ایران معاصر که این گفتمان در درون آن شکل گرفته و معرفت ما را ساخته بپردازیم؛

دیدگاه

اقتشار و اصناف در ایران



محمدهادی جامعی
مسئول کمیته اقتشار و اصناف
حزب اراده ملت ایران
mh_jamni@yahoo.com

ایجاد تشکلهای کارگری به جهت این که یکی از مؤلفه‌های اصلی برای رسیدن به خواسته‌هایی مثل امنیت شغلی و رفاه نسبی در همه مشاغل است، مطالبه می‌باشد. علیرغم اینکه تشکلهای مدنی، کارگری و صنفی هر کدام فعالیت و تأثیرگذاری‌های خاص خود را دارند، اما دارای ضعف‌ها و کاستی‌هایی نیز می‌باشند. در کشور ما دولت‌ها آمادگی و انگیزه مسئولیت به مردم را ندارند و علیرغم شعارهای مختلف نه‌تنها در کوچک‌سازی بدنه دولت اقدام مؤثری صورت نپذیرفته، بلکه در هر دوره‌ای دولت‌ها بزرگ و بزرگ‌تر می‌شوند، درحالی‌که باید امور از طریق خصوصی‌سازی به مردم واگذار گردد. عدم ارتباط ساختاری با بدنه ضعف تمامی تشکلهای مدنی و صنفی است که این امر ناشی از عدم به‌کارگیری این تشکلهای در تصمیم‌گیری‌هاست. دولت‌ها می‌توانند با افزایش اعتماد اجتماعی دولت و اعتماد اجتماعی در شرایط فعلی دولت نیاز مبرم به افزایش اعتماد اجتماعی دارد که در اثر ایجاد شفافیت فاحش در جامعه و تضاد بین کارگران و سرمایه‌داران خدشه‌دار شده و به شدت کاهش یافته است. از آنجایی که سرمایه‌داران سعی در مقابله با این تشکلهای دارند و از آنجایی که که بیش از ۵۰ درصد جمعیت کشور را کارگران و خانواده‌هایشان تشکیل می‌دهند،

گفتگوی رودررو، صریح و کارگشای دولت با کارگران و نمایندگان آن‌ها می‌تواند باعث افزایش اعتماد اجتماعی گردد. دولت باید به تشکلهای مردم‌نهاد، شوراهای اسلامی کار و نهادهای کارگری، جهت بیان مسائل حوزه خود، تربیون کافی بدهد و در نهایت مردم و نمایندگان نهادهای مدنی را در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت دهد. توسعه نهادهای مدنی و صنفی مسئله دیگر این است که تا حدودی کارگران جدا از دیگر اقشار جامعه انگاشته می‌شوند، همین امر و دخالت ندادن تصمیم مردم در سرنوشت خود، باعث اعتراضات خودجوش کارگری گردیده که بعضاً به نافرمانی مدنی تبدیل می‌گردد. البته به نظر می‌رسد در مقطع کنونی، شرایط گفتگو و تفاهم بین دولت و تشکلهای کارگری چندان فراهم نباشد. یکی از مشکلات کشورهای جهان سوم این است که نهادهای مدنی در زمان‌های خاص و جهت حضور مردم به کار گرفته می‌شوند. به یاد بیاوریم حضور چشمگیر قشر کارگردز زمان انتخابات برای دولت‌های یازدهم و دوازدهم تدبیر و امید برگی از تاریخ مشارکت‌های مردمی رادر این سرزمین رقم زد. اگر این گونه حضور برای دولت مهم و حیاتی است پس دولت باید توسعه نهادهای مدنی و صنفی به‌عنوان مهم‌ترین و مؤثرترین راه اعمال نظر مردم در تصمیم‌سازی‌های کشور به رسمیت بشناسد. آنچه دغدغه و مشکل عمده کنونی قشر کارگرمی باشد، کوچک شدن سفره‌ها و فاصله روزافزون و کم‌رشدن طبقاتی است. در جریان اقتصادی در سال جاری

ضربه مهلک و جبران‌ناپذیری به قشر کارگر و خانواده‌هایشان وارد آمده است. به‌طور مشخص خصوصی‌سازی ناقص و سپردن مراکز بزرگ کارگری به افراد ذی صلاح و استفاده از رانت دولتی، اعتراضات صنفی کارگران را در برداشته که در شعارهای کارگران به‌وضوح دیده می‌شود که می‌توان در اعتراضات اخیر هپکو، آذرآب، هفت‌تپه و فولاد خوزستان مشاهده کرد. بعد از فاصله طبقاتی، یکی دیگر از مشکلات بزرگ کارگران نادیده گرفتن قوانین کار و قوانینی اساسی از سوی قشر سرمایه‌داران است. زمانی که کارگاه‌های بزرگ این‌گونه محروم هستند، چگونه می‌توان از قشر کارگر تولید بالا همراه با کیفیت را انتظار داشت؟ چگونه می‌توان شکل‌گیری نهادهای مدنی و کارگری را انتظار داشت؟ در کشور ما نیروی کار مشمول قانون کار حدود ۱۴ میلیون نفر می‌باشند که فقط به دو و نیم میلیون نفر جمعیت کارگری که در خدمت دولت هستند، توجه می‌شود. بنابر این مشارکت همه‌جانبه و تصمیم‌ساز مردم از طریق نهادهای مدنی و صنفی به‌عنوان اصلی‌ترین و مهم‌ترین راهکار تحقق دموکراسی اهمیت می‌یابد و جهت برگرداندن اعتماد این قشر عظیم و جهت کم کردن فاصله طبقاتی فاحش به وجود آمده باید شرایط را برای حضور حداکثر مردم از طریق واگذاری مسئولیت به آن‌ها، ایجاد نماییم. بدون مشارکت همه‌جانبه و تصمیم‌ساز مردم هیچ دولتی اولاً توانایی و دوماً تخصص لازم را برای اداره همه امور ندارد.

نقد و بررسی راه‌های توسعه در ایران از دیدگاه برخی نظریه‌پردازان داخلی



جواد مسعودی
پژوهشگر و روزنامه‌نگار
masoudi.j347@gmail.com

سرویس اقتصادی - بحث توسعه اقتصادی یا همان اقتصاد توسعه در مفهوم آکادمیک در واقع برمی‌گردد به دوران بعد از جنگ جهانی دوم کشورهای تازه استقلال‌یافته‌ای که به دنبال صنعتی شدن و الگوهای برای توسعه از سوی نظریه‌پردازان کشورهای سرمایه‌داری داده می‌شد و در مقابل این‌ها نظریه‌پردازانی هم از سوی بلوک شرق سوسیالیستی به‌عنوان الگوی

• توسعه اقتصادی همه را با فرهنگ انسانی و عدالت اجتماعی پرویز شهریاری (کتاب توسعه ۲ نشر توسعه، ۱۳۷۰)

نویسنده با الهام از مکتب سوسیالیسم در این مقاله معتقد است؛ توسعه اقتصادی تنها وقتی ثمربخش و مترقی است که با فرهنگ انسانی و عدالت اجتماعی همسوی باشد. بدون توجه به این دو جنبه (فرهنگ انسانی و عدالت اجتماعی) توسعه اقتصادی اگر هم عملی شود راه‌گشای جامعه به سمت زندگی شرافتمندانه و آگاهانه نیست.

وی با اشاره به پلورالیسم سیاسی و اجتماعی، می‌گوید: عنصر اصلی فرهنگ انسانی وجود دموکراسی به معنای عام کلمه است؛ یعنی می‌بایستی آزادی در اعتقادات، سیاست، فعالیت‌های شغلی و ... وجود داشته باشد. نفی تمرکزگرایی و کثرت‌گرایی اجتماعی و سیاسی نیز نوعی از نمود دموکراسی است.

شهریاری در این گفتار ضمن توجه به شایسته‌سالاری، با اشاره به عامل فرهنگ انسانی، معتقد است که این مقوله در عین حال به معنای بالابردن سطح اخلاق و دانش جامعه است، چه در روابط و تخصص‌های فردی و چه در روابط اجتماعی و کارایی جمعی. چنین شرایطی زمانی فراهم می‌آید که شرایط تحصیل و آموزش همگانی مهیا شود و کارهای کلیدی به شایسته‌ترین‌ها واگذار شود. (اعتقاد به شایسته‌سالاری) بنابر این آموزش همگانی لازمه فرهنگ انسانی است. از منظر وی عدالت اجتماعی نیز که یکی از عناصر اصلی توسعه اقتصادی است باید مدنظر قرار گیرد. در این خصوص باید اذعان داشت حتی ژاپن که امروزه در توسعه اقتصادی پیشگام است، نتوانسته دشواری‌های اصلی مردم و جامعه خود را حل کند، چرا که عدالت اجتماعی را به خوبی برقرار نکرده است.

• آیا توسعه مستقل امکان‌پذیر است؟ احمد حبیبی (کتاب توسعه، نشر توسعه ۱۳۷۰)

ابعاد استیلای جهانی سرمایه‌داری به اندازه‌ای وسیع و همه‌جانبه است که امید رهایی از وابستگی و نیل به توسعه مستقل را بعضاً به پاس مبدل کرده است و در این خصوص حتی برخی از افراد مستقل یا سیاستمداران داخلی نیز با مشاهده چنین دشواری‌هایی که حاکی از برتری تکنولوژی سرمایه‌داری است راهی جز تبعیت از این برنامه را ندارند. برای رهایی از سلطه سرمایه‌داری و رسیدن به توسعه مستقل چه باید کرد؟

رویکرد توسعه مستقل تکنولوژی: حبیبی با اعتقاد به عامل تکنولوژی و نقش آن در توسعه می‌گوید: در سایه امکاناتی که

توسعه سوسیالیستی ارائه می‌شد. به دنبال شکست این نظریه‌ها در کشورهای جهان سوم مباحث توسعه‌نیافتگی و نظریه توسعه‌نیافتگی مطرح شد. در این مباحث عمده بحث این بود که الگوهای ارائه‌شده در واقع نقشه راهی بود برای تشکیل کشورهای متروپل و پیرامون، چه در بلوک شرق و چه در بلوک غرب در واقع کشورهای جهان سوم جایگاهی بهتر از پیرامون نیافتند؛ و بدین سان صنعتی شدن آرزوی دست‌نیافتنی به نظر می‌رسید. همچنین مباحث توسعه‌نیافتگی ناظر بود به این که توسعه امری صرفاً اقتصادی نیست و شامل توسعه اجتماعی و توسعه فرهنگی و سیاسی

انقلاب‌نوین تکنولوژی یکبرای مبادله و گردش اطلاعات در تمام سطوح در اختیار هر خانواده و هر فرد قرار می‌دهد، محدودیت‌ها و موانع موجود در برابر ملت‌های گرفتار در استیلای سرمایه‌داری نیز از میان برداشته می‌شود و آنان هم در معرض آگاهی‌ها و دانایی‌های علمی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی قرار می‌گیرند و در نتیجه ذهنیت این جوامع به سرعت تغییر می‌کند و رویه رشد می‌گذارد.

نویسنده در اینجا با تکیه بر روش‌های عقلانی و علمی در توسعه به دنبال تبیین بومی‌سازی تکنولوژی است و در این رابطه می‌گوید: تبادل اطلاعات و گردش آزاد آن در میان ملت‌ها هماهنگی، همبستگی و اتحاد را که لازمه پیروزی این ملت‌ها و غلبه بر وابستگی و عقب‌ماندگی است تسهیل خواهد کرد و لذا جامعه به سمت توسعه مستقل حرکت خواهد کرد. حبیبی می‌گوید: این اساس ابتدا باید با روش‌های عقلایی، تکنولوژی را آموخت و وارد کرد و سپس با روش‌های علمی این آموخته‌ها را تغییر داد و برای توسعه مستقل بومی‌سازی کرد. از منظر حبیبی چنین وضعی زمانی رخ خواهد داد که ملت‌های یک زندگی آزاد و مستقل در سایه تلاش و پشتکار و همکاری و همیاری داشته باشند.

استبداد عاملی مهم در جلوگیری از توسعه: حبیبی با بیان اینکه تحولات فرهنگی و اجتماعی، اغلب باعث پذیرش توسعه در ابعاد دیگر آن از سوی حکومت‌ها می‌شود، معتقد است؛ در کشورهای توسعه‌یافته به دلیل عدم دخالت نیروهای خارجی، فرهنگ توسعه در بستر واقعی خود جریان می‌یابد، درحالی‌که در کشورهای جهان سوم، وجود حاکمیت‌های مستبد و دست‌نشانده که اغلب برآمده از کودتاهای نظامی، امپریالیستی و سوسیالستی است، خود بزرگ‌ترین مانع در برابر جریان توسعه هستند.

• توسعه صنعتی و تکنولوژیک لازمه توسعه اقتصادی:

نویسنده در بحث توسعه اقتصادی همچون احمد حبیبی (یکی از صاحب‌نظران توسعه)، در ادامه دیدگاه‌های اقتصادی خود معتقد است که در توسعه اقتصادی باید ابتدا در این بخش به توسعه صنعتی، علمی و تکنولوژیکی رسید، چرا که با تغییرات فنی و تکنولوژیکی از طریق برنامه‌های مدون، توسط مؤسسات تحقیق، توسعه اقتصادی گام به گام جلو می‌رود و صنایع را به دنبال خود می‌کشاند. در این خصوص برای انتقال و استقرار تکنولوژی، نیاز به نیروی انسانی ماهر است. به این ترتیب از مجموع عوامل فرهنگی سیاسی اجتماعی و اقتصادی به اهمیت محوری عامل اقتصادی برای توسعه و از عامل اقتصادی به اهمیت محوری تکنولوژی و از عامل تکنولوژی به اهمیت محوری انسان می‌رسیم.

• تکنولوژی، محور توسعه دکتر ابراهیم رزاقی (کتاب توسعه، نشر توسعه ۱۳۷۰)

نویسنده بر خلاف دیدگاه‌هایی که توسعه را تک‌بعدی دانسته و آن را صرفاً به توسعه اقتصادی، سیاسی و یا اقتصادی محدود می‌کنند، معتقد است که تجربه کشورهای توسعه‌یافته سرمایه‌داری و سوسیالیستی و همچنین شکست‌های فراوان کشورهای درحال توسعه بیانگر این امر است که مجموع عوامل سیاسی اجتماعی اقتصادی و فرهنگی در دستیابی به توسعه نقش مهمی دارند.

مع الوصف رزاقی اما همسو با سایر اندیشمندان مافوق تقدم توسعه سیاسی نقش آن را کمی بیشتر از دیگر ابعاد توسعه دانسته و می‌گوید: با این حال نقش توسعه سیاسی در مقایسه با سایر ابعاد توسعه چشمگیرتر است، چرا که تا تغییر و تحول لازم در ساختارهای اجتماعی صورت‌گیرد دو تابلو نام‌های توسعه از تداوم و تضمین‌های اجرایی برخوردار نباشد، توسعه اقتصادی و فرهنگی صورت نمی‌گیرد.

• توسعه اقتصادی و جهان بینی

علی رضاقلی زاده (کتاب توسعه ۶، نشر توسعه ۱۳۷۲)

نویسنده با دیدگاهی ایدئولوژیکی به مقوله اقتصاد در این باور است که هر اقتصادی به جهان‌بینی و فلسفه الهی (مثل ایران) و یا غیر الهی (مثل جامعه غرب) تکیه زده است. در واقع بر این اساس می‌توان گفت: نوع رفتار اقتصادی هر قومی بیانگر نحوه نگرش او به تاریخ، اجتماع و جهان و آخرت نیز می‌باشد و اقتصاد نیز در این برآیند نمی‌تواند بدون فلسفه و جهان‌بینی باشد. با چنین دیدگاهی رضاقلی زاده معتقد است: جهان‌بینی امروز اقتصاد ایران از جنبه نظری پشت به دنیا کرده درحالی‌که جهان‌بینی اقتصادی که در دانشگاه‌ها تدریس و از کتاب‌های توسعه تجویز می‌شود، رویه دنیا است و این تعارض باعث رشد و توسعه یکی و توسعه نیافتگی دیگری می‌شود.

تفکر قضا و قدری:

رضاقلی زاده با انتقاد از نظام آموزشی معتقد است: علوم اقتصادی ما جوانانی نفهم، ناپروورده، متنعم، کم‌کار و مدعی به وجود می‌آورد که در همان ابتدای کار همه مشکلات را از سر خود باز کرده و به گردن استعمار می‌اندازد و این همان تفکر قضا و قدری است که باعث سلب مسئولیت فردی و اجتماعی و ایجاد روحیه منفی و انتظار داشتن از دیگران می‌شود که بیایند و کار را درست کنند؛ بنابر این مجموعه این عوامل باعث عدم توسعه اقتصادی می‌شود اما با تمام این‌ها از خطاکاری و سهل‌انگاری و بی‌سوادی بسیاری از مدیران هم نمی‌توان گذشت.

Machinery Industries
BEHIبهی
صنایع ماشین سازی

مفتخریم که پس از سال‌ها تلاش و ساخت انواع دستگاه‌های منگنه همچنان به عنوان جزء کوچکی از صنعت این مرز و بوم در خدمت هموطنان عزیز می‌باشیم



آدرس: شهریار - کیلومتر ۸ جاده رباط کریم - اصلیل آباد - خیابان رجایی - پلاک ۱۰۰

تلفن: ۰۲۱-۶۵۷۵۵۶۳۰

فکس: ۰۲۱-۶۵۷۵۵۶۳۱

همراه: ۰۹۱۲-۱۸۵۹۵۵۲۰



اخبار



گزارشی از انجمن‌های ادبی
و شعری و فعالین این عرصه
فیه تلخ (۱)

کاوه مصدق

Kaveh.mosaddogh@gmail.com

شانزده سالم بود که با چند شعر کوتاه سهراب آشنا شدم بی اختیار جذب آن شدم اکنون اما بعد از چهل و سه سال شعر برای من فقط دلمشغولی نیست، بلکه دغناغه‌است؛ گرچه شاعر نیستم.

شعر کجای می‌رود؟ شعر همیشه راه خودش را خود بر می‌گزیند، نگرانی اینجاست که بازار مکارهای بنام شعر برپا شده و تورها گسترده شده و عده‌ای هم مشغول تناول از این خوان گسترده هستند ولی امثال حسین منزوی که اتفاقاً کم هم نیستند بر سر این سفره جایشان خالی است و در تنهایی و بی مهری و تنگدستی سکان کشتی را جلو می‌برند تا عده‌ای که هر جانی از شعر هست، ناگهان سرو کله‌شان پیدا می‌شود و در غیاب ستون‌های شعر همه آنچه را دیگران کاشته‌اند بی هیچ رنجی که کشیده‌اند باشند، مالک شوند و از نان و آبش هم برخوردار! داستان غریبی است اما حقیقتی تلخ نیز. معلوم نیست کسانی که حسب شغلی که دارند و مواجبی می‌گیرند تا این نابسامانی را بسامان کنند و حق به‌حقدار برسد، کجای کار هستند؟ و چه می‌کنند؟ از وزارت ارشاد گرفته تا همین شهرداری خود من همه هستند اما کجای؟ و این وضعیت تا کی ادامه خواهد داشت؟ همه چیز گران‌آدا می‌شود از دولت تا شهرداری ولی خروجی قابل ملاحظه نیست. چرا؟ همه هم سالم‌اند

الحمد لله و کارها هم رو تین وار و بخوبی تکرار می‌شود و نباید مشکلی باشد ولی هست بنظر می‌رسد مشکل زیر سر خود شعر است. قلم‌ها و تربیون‌ها بکار بافتن مشغولند و هر کسی از منظری صاحب نظری می‌کند و آخر سر نیز شاید از الزامات زمانه و تکنولوژی من خودم اگر بخواهم ببافم اینطوری می‌بافم که شعر خودش در واقع رسانه است منتها رسانه‌ای ماندگار مانند منبر؛ اما دیگر با آمدن رسانه‌های مجازی و شکل‌گیری موزاییک وار آن، چه نیازی به شعر است؟ و این است که مقصر اصلی مخاطبانی هستند که در فضای مجازی گیر کرده‌اند و رغبتی به شعر نشان نمی‌دهند. لان#هشتک همین کار شعر را انجام می‌دهد و ماندگاری‌اش هم قابل قبول است!

این می‌شود سمبل کردن، بافتن و با ذهن مخاطب بازی کردن کاری که متأسفانه مد رسانه‌ای ما شده و ساختن جامعه‌ای بر اساس توهم؟! عده‌ای می‌بافند و عده‌ای هم متوهم می‌شوند و اتفاقاً هر دو هم راضی‌اند چرا که هر دو تقصیر خود را سر الزامات زمانه و غیره انداخته‌اند؛ اما حقیقتی هم هست که زیر همین دروغ‌ها و بافتنی‌ها مدفون شده است آن چیست؟ سعی ما بر این است که؛ هر چند برای بعضی ناخوشایند؛ تا آنجا که صفحات نشر به اجازه دهد نقی به آن حقیقت پنهان و مدفون بزنیم و بقول معروف اقتصاد سیاسی، شعر و ادبیات را تعریف و مشخص کنیم یا خدا رو چه دیدی شاید هم توانستیم با آغاز و پایان زمستان پرده از حیف و میل‌های کلان برداریم.

نگاهی به کتاب «زمهریر دمو کراسی در سپهر سیاسی ایران معاصر (بانگاهی به کاهش تصدی‌گری دولت)»

دولت تار ز مهریری سرد / منقرض شد که شهسوار آمد (شروین و کیلی)

حداقل خصوصاً در رابطه با ایران دقیق و کامل نیست و میتوان دلایلی را آورد که بر علیه نقش دولت حداقل باشد. فرایند تاریخی در ایران نشان داده است که بدون ایجاد زیر ساختهای لازم، کوچک سازی دولت در بسیاری از موارد باعث واگرایی شدید در کشور میشود و لازم است قبل از اقدام به کوچک سازی دولت نقش شوراهای تصمیم گیر محلی را تقویت کرد و یا همگرایی فرهنگی اقتصادی را بطور کامل ایجاد نمود. از طرفی ایجاد دولت حداقل بدون تعیین تکلیف منابع نفتی و سایر منابع طبیعی در اختیار دولت، از نظر عملیاتی غیر ممکن است و لازم است ابتدا نقش صاحبان این منابع مشخص گردد و سپس بر آن اساس در مورد دولت حداقلی صحبت نمود.

و نهایتاً اینکه دولت در ایران کار کردهائی دارد (هم از دید خود کارگزاران دولتی، هم از دید روشنفکران و اندیشمندان و هم از دید مردم) که با کارکرد های آن در سایر جوامع تفاوتی دارد. لازم است که در ابتدا کارکردهای دولت در ایران را احصا نمود، سپس رابطه هر کدام از کارکردها با دموکراسی را سنجید و سپس بر اساس آن نظریه «دولت حداقل پیشگام دموکراسی» را تبیین و ترویج کرد. به صرف نشان دادن رابطه بین دولت حداقلی (باعتریف کلاسیک آن) و تحقق دموکراسی نمیتوان به استفاده از این نظریه به سمت دموکراسی در ایران رفت. این کار میتواند علاوه بر اختلالاتی که در مدیریت امور در ایران ایجاد میکند منجر به بروز یک اختلاف طبقاتی وسیع نیز بشود. شبیه به پدیده‌ای که در حکومت روسیه بعد از فاشی دولت بزرگ و متمرکز رخ داد. در جامعه روسیه با فروپاشی دولت بزرگ و حجب مردمی مرکزی گروه‌های بسیار کوچک فرصت طلب توانستند از موقعیت استفاده کنند و مدیریت امور را در دست گیرند و عملاً ایجاد دولت حداقل نتوانست منجر به تحقق دموکراسی بیشتر در روسیه شود.



حوزه‌های ارشاد، بهداشت و درمان، آموزش عالی و آموزش و پرورش مشاهده میکنیم. دولت به شدت گلوگاه های اصلی نظیر گزینش نیروها، اعطا مدارک و مجوزها، تایید متون درسی و فرایند بوروکراتیک را در اختیار گرفته ولی در سایر قسمتها که اکثراً بخشهای خدمت رسان و پرهزینه میباشد، سلب مسئولیت نموده است. بعنوان مثال به فرایند تولید و نشر کتاب نگاه کنید. گلوگاه که تایید مجوز چاپ است در اختیار دولت است ولی تمام قسمتهای دیگر نظیر تهیه کاغذ، خرید کتاب برای کتابخانه‌های عمومی، نشر و توزیع و حق تالیف رای به بازار یا سایر قسمتهای غیر دولتی سپرده است. به این ترتیب ضمن کوچک کردن ساختار خود، اصلی ترین بخش که مانع از دموکراسی واقعی میباشد را – حداقل هزینة – در اختیار خود نگاه داشته است.

دوم اینکه استدلال ها در زمینه دولت

از سيطرة دولت، شانس تحقق دموکراسی واقعی در ایران پائین میباشد و نهایتاً در فصل آخر راهکارهایی برای رسیدن به دموکراسی بر اساس نظریه دولت حداقل ارائه میکند. از چند زاویه میتوان به موضوعات، استدلال ها و نتیجه گیری نهائی کتاب نقدی وارد کرد: اول اینکه به موضوع دولت حداقل میتوان از دو زاویه نگریست: یکی از زاویه حجم دولت و میزان مداخلات آن، دوم نوع و محتوای مداخلات دولت. در سراسر متن دکتر مسعودی این دو موضوع یکسان پنداشته شده است. در حالیکه میتوان دولتی بزرگ داشت ولی نقشی خدمت‌رسانی و زیر ساختی را به آن سپرد و لذا فضای دموکراسی را تقویت کرد و برعکس، میتوان دولت حداقلی داشت ولی مهمترین گلوگاه ها برای مداخله را در دستان آن دولت نگاه داشت. در طی سال‌های اخیر این پدیده رایج و وضوح در دولتهای آقایان رفسنجانی، خاتمی و روحانی خصوصاً در

های چپ‌گرایانه توجه نموده است. در حالیکه ادبیات فراوانی در این زمینه وجود دارد که زیربنای تئوریک بحث دولت حداقل در حکومت‌های سوسیال دموکرات است. در سه فصل بعدی روند قبض و بسط دولت را در حکومت‌های صد سال اخیر ایران مورد بررسی قرار میدهد. که بررسی بسیار زیبایی است و نویسنده با دقت و ذکر جزئیات، نقش و گستره دولت را در دوره مشخص کرده است و قیاسی بین این دولت‌ها را به خوانندگان ارائه مینماید. ایشان در فصل پنجم با استفاده از خصوصیات روانشناسانه و جامعه‌شناسانه جامعه ایرانی، رابطه دولت و ملت را مورد توجه قرار میدهد و نشان میدهد که شکل دولت‌ها منبعث از خصوصیات جامعه ایرانی بوده است و تاحدودی گریز ناپذیر میباشد. و در فصل ششم به بحث در مورد رابطه دموکراسی و دولت حداقل در ایران و چشم انداز آتی آن میپردازد و این نتیجه را میگیرد که با این حجم



افشین فرهانچی
عضو شورای مرکزی
حزب اراده ملت ایران

afarhanchi@yahoo.com

درباره نویسنده کتاب: دکتر جواد مسعودی متولد ۱۳۴۷ در همدان و ساکن استان سمنان است، وی دکترای علوم سیاسی با گرایش مسائل ایران دارد. این کتاب اولین کتاب ایشان است گرچه وی سابقه کار مطبوعاتی از سالهای ۱۳۹۱ تا کنون داشته است. ایشان مدرس دانشگاه پیام نور و علمی کاربردی میباشد.

درباره کتاب: کتاب در ۲۸۲ صفحه و با قیمت ۲۱۷۰۰ تومان در زمستان ۱۳۹۶ توسط انتشارات فروش تهران به چاپ رسیده است. کتاب شامل بخش‌های زیر است:

- مقدمه و پیشگفتار
- فصل اول: دولت حداقل، گامی به سوی توسعه دموکراسی
- فصل دوم: دولت مشروطه آغازگر عصر دموکراسی / پهلوی‌ها و تکوین مدرنیسم در ایران
- فصل سوم: انقلاب اسلامی (از دولت آرمانگرای انقلابی تا دولت تکنوکرات سازندگی)
- فصل چهارم: دولت تعامل‌گرای خاتمی / دولت آزمون و خطای احمدی نژاد
- فصل پنجم: تأثیر خصوصیات جامعه ایران در روند تحول دموکراسی و دولت‌های معاصر
- فصل ششم: چشم انداز دولت حداقل دموکراسی در ایران
- فصل هفتم: راهکارها و نتیجه‌گیری نویسنده کتاب در فصل اول در مزایای دولت کوچک با استفاده نظریات فیلسوفان مختلف صحبت میکند گرچه در این زمینه بیشتر به نظریات اندیشمندان راستگرا توجه کرده است و فقط در معدود مواردی به دیدگاه



مهندس محمد هادی
جامعی به سمت عضویت
در مجمع مشورتی
توسعه استان تهران
منصب شد

محمد هادی جامعی دبیر کمیته
اقتشار و اصناف حزب اراده ملت
طی حکمی به عضویت در مجمع
مشورتی استان تهران منصوب شد



دبیر حزب اراده ملت در شهرستان البرز منصوب شد

طی حکمی از سوی احمد حکیمی پور، دبیر کل حزب اراده ملت، سرکار خانم گلزار ارد به عنوان دبیر این حزب در شهرستان البرز منصوب گردید.



انوشیروان محسنی‌بندی



عزیزا شهبازی

دوستان گرامی آقایان

انوشیروان محسنی‌بندی و عزیزا... شهبازی

انتصاب شایسته شماره به سمت استاندار تهران و البرز تبریک عرض نمود، از درگاه خداوند متعال موفقیت و سربلندی‌تان را آرزو نمودم.

احمد حکیمی پور



کارگاه مهارت «همکاری با یکدیگر» به همت شاخه جوانان حامای اهواز برگزار شد

کارگاه مذکور شانزدهم آذرماه ۱۳۹۷ در خانه احزاب خوزستان با حضور تنی چند از مدیران، کنشگران، نمایندگان احزاب و رسانه‌ها صورت پذیرفت. از جمله موارد مطرح‌شده میتوان به تعریف گروه، پروفایل سازی برای گروه، لازمه‌های گروه موفق و... اشاره نمود.